

مقاله پژوهشی: ارائه مدل اجرای خطمشی‌های فضای مجازی در ایران

[20.1001.1.33292538.1400.11.39.6.0](https://doi.org/10.1001.1.33292538.1400.11.39.6.0)

عباس نرگسیان؛ علی پیران‌نژاد؛ حامد حاجی ملامیرزایی؛ عباس قربان^۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۱/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۹

چکیده

هدف: اجرای خطمشی نیز به عملیات و اقدامات سازمان‌ها و مؤسسات مجری و چگونگی انجام دادن آن‌ها گفته می‌شود. این عملیات و اقدامات موجب پیاده‌سازی برنامه‌ها و رویه‌های تعیین شده در مرحله شکل‌گیری خطمشی می‌گردند. اجرای خطمشی، هم به مرحله تدوین (ظرفیت سامانه در تدوین خطمشی‌های اثربخش) نظر دارد و هم به مرحله اجرا (قدرت و ظرفیت اجرایی سیستم دولت) و هم به انسجام و هماهنگی خطمشی‌ها. چارچوب بندی متناسب مسئله و طراحی دقیق خطمشی برای نائل شدن به پیامدهای موفقیت‌آمیز، حیاتی است. فضای مجازی را می‌توان برای توصیف تمام انواع اطلاعاتی موجود شده از طریق شبکه‌های رایانه‌ای به کار برد، در حقیقت فضای مجازی نوع متفاوتی از واقعیت مجازی و دیجیتالی است که توسط شبکه‌های رایانه‌ای هم‌پیوند تأمین می‌شود که با اندکی مسامحه می‌توان آن را مترادف با شبکه جهانی اینترنت دانست. هدف از این تحقیق کیفی ارائه الگوی اجرای خطمشی‌های فضای مجازی در ایران است.

روش: برای استخراج مؤلفه‌های اصلی اجرای خطمشی‌های فضای مجازی از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده و با ۳۵ نفر از خبرگان بخش خطمشی‌گذاری در فضای مجازی مصاحبه‌های عمیقی انجام شده است. افراد مورد مطالعه این تحقیق را خبرگان خطمشی‌گذاری در فضای مجازی تشکیل دادند که مشارکت‌کنندگان با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند.

یافته‌ها: در این تحقیق با استفاده از روش داده‌بنیاد کوربین و استراوس در مرحله کدگذاری باز ۱۶ مقوله و

۱. مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) anargesian@ut.ac.ir

۲. مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. عضو هیأت علمی گروه مدیریت راهبردی فضای سایبر، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

۴. علوم اجتماعی و رفتاری، پردیس البرز دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳۵ مفهوم استخراج شد. در مرحله کدگذاری محوری بر اساس مفاهیم مقوله‌محوری، شرایط علی، راهبرد، بستر، شرایط مداخله‌گر و پیامدها، الگوی پارادایمی ارائه شد و در مرحله کدگذاری انتخابی الگوی نظری برخاسته از یافته‌های تحقیق معرفی و تشریح شد.

نتیجه‌گیری: اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی در یک محیط ایستا فعالیت نمی‌کند و بایستی به‌صورت پویا و یا سازمان‌دهی شده شکل داده شود؛ بنابراین شورای عالی فضای مجازی و دستگاه‌های دولتی ذی‌نفع نیازمند آن هستند که اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی خود را بر اساس ویژگی‌هایشان تنظیم کنند و نظام‌های بازخورد و ارزیابی برای آن تأسیس شود. در اجرای خط‌مشی‌ها باید چارچوب زمانی و بودجه‌ای مناسب در نظر گرفته شود. یک خط‌مشی ممکن است بسیار مناسب باشد، اما اگر اجرای آن بیش از زمان پیش‌بینی شده طولانی شود یا هزینه آن از بوده در نظر گرفته‌شده، افزون‌تر گردد، شکست خورد. روابط علی و معلولی خط‌مشی، باید مستقیم و بدون آشفتگی باشد. خط‌مشی باید براساس یک‌سری روابط تعریف‌شده، روشن و بدون ابهام بنا شود.

کلیدواژه‌ها: اجرای خط‌مشی، فضای مجازی، دانش محوری، ایران.

مقدمه

پدیده نوظهور فضای مجازی تأثیر شگرفی بر سبک زندگی انسان در عصر جدید داشته است. این پدیده به‌عنوان یک قدرت نرم فوق‌العاده، در جنبه‌های مختلف از جمله فرهنگ، سیاست، اقتصاد، ایمان، اعتقادات دینی و اخلاقیات، تأثیرگذاری خیره‌کننده‌ای دارد (بیانات مقام معظم رهبری، شانزدهم شهریور ۱۳۹۹). در حال حاضر در کشور به دلیل کم‌توجهی به خط‌مشی‌گذاری، برنامه‌ریزی و اقدام در فضای مجازی از فرصت‌های پیش روی آن به‌خوبی استفاده نشده و آسیب‌های ناشی از آن رو به گسترش است. اندیشمندان حوزه خط‌مشی‌گذاری، اجرای خط‌مشی را حلقه مفقوده فرایند خط‌مشی‌گذاری می‌دانند. مطالعه نظام‌مند اجرای خط‌مشی موضوع نسبتاً جدیدی در حوزه وسیع علوم اجتماعی است. کلمه اجرای خط‌مشی توسط پژوهشگران مختلفی با دیدگاه‌های متفاوت تعریف شده است. ولی نکته مشترک بین تمام نقطه‌نظرها این است که اجرای خط‌مشی یکی از مهم‌ترین مراحل در فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی می‌باشد و شامل اجرای قانونی است که ذی‌نفعان، سازمان‌ها، فرایندها و فنون مختلفی را در برمی‌گیرد (انیسورحمان؛ ۲۰۱۶). در چند سال اخیر با

توجه به فرمان‌های مکرر مقام رهبری^(مدظله‌العالی) و تشکیل شورای عالی فضای مجازی، بخشی از مراحل خط‌مشی‌گذاری و برنامه‌ریزی محقق شده است، اما تصمیمات و خط‌مشی‌های این شورا از سوی سازمان‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط به نحو مؤثر و شایسته اجرا نمی‌شود. شواهدی وجود دارد که خط‌مشی‌گذاری و اجرای آن با مشکلاتی مواجه شده است. یکی از این شواهد، عدم تنظیم مقررات مؤثر و کارآمد در اداره فضای مجازی است. به همین دلیل یکی از مهم‌ترین خط‌مشی‌ها جهت بررسی فضای مجازی، خط‌مشی‌های تنظیمی هستند. مسائل فضای مجازی بسیار وسیع و متنوع هستند. اجرای خط‌مشی، تبدیل تعهدات به عمل است اما چگونه؟ خط‌مشی‌های عمومی انعکاس اهداف جدید، ارزش‌های جدید و روابط جدیدی است که در نتیجه مواجهات جدید پدید آمده است. به‌طور ساده می‌توان گفت: خط‌مشی‌ها، تعهد به انجام بعضی از کارها است. اگرچه خط‌مشی‌ها به‌عنوان ابزار تصمیم‌گیرندگان، به‌اندازه‌ای که جنبش‌ها را جهت می‌دهند، آن‌ها را به وجود نمی‌آورند (داهید و همکاران؛ ۲۰۱۳).

اجرای خط‌مشی عمومی مهم‌ترین بخش از اداره عمومی محسوب می‌شود. در گذشته، اجرا در فرایند خط‌مشی‌گذاری چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت. اغلب درخواست‌ها و نیازهای اجرایی در فرایند خط‌مشی‌گذاری نادیده گرفته می‌شد و اکثر تصمیمات و خط‌مشی‌های دولتی بدون توجه به جنبه‌های اجرایی آن تهیه و تصویب شد؛ اما امروزه اجرا جزء جدایی‌ناپذیر و مکمل خط‌مشی عمومی محسوب می‌شود و تأثیر آن روی شکل‌گیری خط‌مشی مذکور اجتناب‌ناپذیر است (کنت و آلیسون؛ ۲۰۱۸). به منظور رسیدن به درک بهتر این موضوع که چه عواملی بر اجرای خط‌مشی‌ها تأثیر می‌گذارند و چه موانعی بر سر راه اجرای خط‌مشی‌ها وجود دارند، نیاز است که در بخش‌های تهیه و تدوین خط‌مشی، اجرای خط‌مشی و راه‌کارهایی که می‌توان اتخاذ کرد تا اجرا تسهیل شود، بررسی‌های اساسی صورت گیرد (کسپرت؛ ۲۰۰۹). دولت‌ها در اجرای بسیاری از

خط‌مشی‌های عمومی موفق عمل نمی‌کنند. چالش‌ها، موانع و محدودیت‌های بسیاری ممکن است اجرای خط‌مشی‌ها را با اختلال روبه‌رو کنند. به بیان دیگر، نحوه اجرای هدف را بیان می‌کنند و حوزه رفتار مسئولان اجرایی سازمان را تعیین می‌کنند و در عین حال وسیله‌ای مؤثر برای کنترل عملیات هستند (دانش فرد، ۱۳۸۸). شواهدی وجود دارد که خط‌مشی‌گذاری و اجرای آن با مشکلاتی مواجه شده است که جرائمی که در حوزه فضای مجازی پیش می‌آید، مؤید این امر می‌باشد، بنابراین به نظر می‌رسد جهت حذف یا به حداقل رساندن جرائم فضای مجازی و ساماندهی به پلتفرم‌های فضای مجازی و رسیدن به یک نظم و بهبود اثربخشی و کارایی اجرای خط‌مشی در فضای مجازی نیاز به ارائه الگوی مناسبی در خصوص اجرای خط‌مشی فضای مجازی می‌باشد، همچنین خلأ تئوریکی که درخصوص اجرای خط‌مشی فضای مجازی و نبود یک الگوی مناسب برای اجرا وجود دارد و نظر به اینکه اجرای خط‌مشی‌ها در کشور ما با چالش‌های زیادی مواجه است (دور، ۲۰۰۸)، در هر جامعه‌ای برخی از مشکلات وجود دارد. این مشکلات می‌توانند در زمینه‌های سیاسی، تجاری، آموزش و پرورش، کشاورزی، حمل و نقل، بهداشت و دفاعی و امنیتی باشند. دولت‌ها، در پس به این مشکلات و در ارتباط با اهداف رشد، توسعه ملی و رفاه شهروندان، خط‌مشی‌هایی را تدوین می‌نمایند که می‌توان آن‌ها را در راستای تلاش دولت برای حاکمیت اثربخش دانست؛ اما به دنبال چالش‌های موجود در فضای خط‌مشی‌گذاری عمومی در زمینه خط‌مشی‌گذاران، فرایند خط‌مشی‌گذاری و ساختار خط‌مشی‌گذاری باعث شده است که خروجی مرحله تدوین خط‌مشی‌گذاری عمومی منجر به محتوای ضعیف خط‌مشی عمومی شود. با توجه به نبود انسجام و ناهم‌سویی درونی خط‌مشی، ناسازگاری با خط‌مشی‌های موجود، مشخص نبودن ابزارهای اجرا یا ابزارهای نامناسب و ناهم‌سویی ابزارهای اجرا، تعریف ناکافی اهداف، اهداف مبهم و بلندپروازانه و نبود مبنای نظری مناسب باعث محتوای ضعیف خط‌مشی عمومی می‌شود (باوم، ۲۰۱۹).

در راستای عدم اجرای مناسب خط‌مشی‌های فضای مجازی، اتفاقات ناگواری افتاده است که یکی از دلایل آن انتخاب مجریان ناکارآمد بوده است؛ به طور مثال مطالعه آمار و ارقام مربوط به جرائم فضای مجازی که در ذیل مختصری از آن مطرح گردیده و مؤید این امر می‌باشد که در اجرای مناسب خط‌مشی‌های فضای مجازی موانعی وجود دارد. امروزه بیش از ۴۶٪ جرائم تنها در تلگرام اتفاق می‌افتد و تقریباً نزدیک به ۳۰٪ جرائم در اینستاگرام و بقیه آن در ۹۲۰ هزار سایت اتفاق می‌افتد. در بحث جرائم فضای مجازی ۱۳۳ هزار و ۳۳۳ فقره پرونده تشکیل شده است که به ۱۱۱ هزار و ۷۶۵ پرونده تاکنون رسیدگی شده است. ۵۵ درصد رشد جرائم در فضای مجازی صورت گرفته است. تاکنون ۷۰ درصد پرونده‌ها کشف شده‌اند و بیشترین انگیزه جرائم اینترنتی مالی بوده و بیشترین آمار جرائم نیز برداشت‌های مالی بوده است. پس از آن انتقام‌جویی و رقابت کاری در رتبه بعدی جرائم اینترنتی قرار دارند. همچنین ۲۳٪ جرائم در فضای مجازی، جرائم اخلاقی هستند. گسترش فضای مجازی با ابزارهای متنوع اطلاعاتی و ارتباطی، خود نقش به‌سزایی را در ابعاد گوناگون زندگی فردی و اجتماعی ایفا کرده و همچون هر پدیده دیگری می‌تواند جوانب و اثرات مثبت یا منفی داشته و فرصت‌ها و تهدیداتی را بر جوامع تحمیل نماید. به‌منظور بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌ها و مزایای فضای مجازی در جهت پیشرفت همه‌جانبه کشور، تسهیل و تسریع در ارائه خدمات گوناگون از یک طرف و صیانت از آسیب‌ها و تهدیدهای آن از جانب دیگر امری اجتناب‌ناپذیر است (حاجی ملا میرزایی، ۱۳۹۲). ضریب شتاب تحولات جامعه اطلاعاتی بسیار بالا است و دامنه این تأثیرگذاری در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به‌طور کامل محسوس است (جعفری، ۱۳۹۳). تحقیقات انجام‌شده و ارائه‌شده در زمینه خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی در کشور معطوف است به مقررات، آیین‌نامه‌ها و قوانین مربوط به فضای مجازی، در حالی که با توجه به تکرر و تعدد جوانب و ابعاد گوناگون فضای مجازی و نهادهای متولی آن در کشور، تحقیق پیرامون الگوهای خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی به منظور ارتقای کیفیت

و یکپارچه‌سازی مدیریت آن امری ضروری است (محمودی میمند و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۱۷). از جایی که خط‌مشی‌گذاری عمومی در یک فرایند سه‌مرحله‌ای می‌شود و اهمیت آن در پیشرفت جوامع بر هیچ‌کس پوشیده نیست، ولی فرایند تدوین و اجرای خط‌مشی‌گذاری در سازمان‌های ایران با معضلاتی همراه است و هیچ‌الگوی مناسبی درخصوص اجرای خط‌مشی در فضای مجازی در کشور ایران وجود ندارد. این پژوهش به دنبال ارائه‌الگویی مناسب در جهت اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی در کشور می‌باشد.

مبانی نظری

تا اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی تحقیقات بسیار کمی در زمینه اجرای خط‌مشی عمومی انجام شده بود. این وضعیت، حتی زمانی که بسیاری از برنامه‌های عمومی جدید در حال اجرا بودند نیز وجود داشت. علاوه بر این، دانش کمی در جهت کمک به فرایند اجرای خط‌مشی در دسترس بود و فقط اشخاص معدودی، حتی نیاز به درک اینکه چرا جریان اجرای خط‌مشی شکست خورده یا موفق شده است را احساس می‌کردند. به طوری که یکی از محققان اجرای خط‌مشی، اشاره می‌کند که «مطالعات اولیه اجرای خط‌مشی به‌طور عمده برداشته‌های جزئی و دقیق از چگونگی اجرای یک تصمیم آمرانه منفرد، یا در یک موقعیت منفرد یا در مکان‌های مختلف بودند». مطالعات اولیه همانند آنچه که مارتادرتیک انجام داده است، به این نتیجه بدبینانه رسیدند که برنامه‌هایی که توسط دولت مورد حمایت مالی قرار می‌گیرند، به‌ندرت به اهداف خود دست می‌یابند. تلاش‌های کم یا شاید هیچ تلاشی به منظور توسعه هر نوع الگوی پویای فرایند اجرای خط‌مشی که بتواند این شکست‌ها را توجیه نماید یا رهنمودهای واقعی در مورد چگونگی حل مشکلات ارائه دهد، صورت نگرفت. به‌علاوه، نگرش مطالعه موردی، منحصراً به‌وسیله محققان اولیه، به کار گرفته شد و آن‌ها را در توضیحات مختلف یا تعمیم یافته‌هایشان به‌منظور معرفی عوامل کنترل با مشکل روبه‌رو ساخت. محققان اولیه با مشکل کثرت متغیرها و کمبود موارد مواجه بودند؛ بنابراین نمی‌توانستند چیز زیادی از این یافته‌ها به دست آورند. هرچند، محققان اجرای

خطمشی تا اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی توجه خود را نسبت به مرحله بعدی توسعه عقلایی یا ساخت الگو جلب نمودند (لستر، استوارت، ۱۳۸۱: ۱۳۵).

در واکاوی اجرای خطمشی به مفهوم‌سازی چیستی، چگونگی و چرایی خطمشی پرداخته می‌شود. رابرت لینبری بیان می‌کند از زمان بیان رسمی خطمشی، فرایند اجرای خطمشی آغاز می‌گردد. آنچه در این مرحله اتفاق می‌افتد، نسبت به اهداف و نیات خطمشی‌گذاران تأثیر بیشتری بر توزیع نهایی خطمشی خواهد داشت (دوبلستین، ۲۰۰۳). هنگامی که از اجرا سخن می‌گوییم طبعاً فرض را بر این گذاشته‌ایم که خطمشی تدوین شده است و مرحله تصمیم‌گیری را پشت سر گذاشته است؛ به عبارت دیگر، طرح، لایحه یا برنامه‌ای از سوی نهاد مشروع عمومی برای پاسخ به یک مسئله عمومی به تصویب رسیده است (وحید، ۱۳۸۸). در مفهوم کلی، اجرای خطمشی به معنای اجرای قانون است که در آن بازیگران، سازمان‌ها، رویه‌ها و روش‌های متفاوت درهم می‌آمیزند تا با تلاش، اهداف یک برنامه یا خطمشی پیشنهادی را به نتیجه مطلوب و مثبت برسانند (طبری، ۱۳۸۱). به بیان دیگر، اجرای خطمشی به‌عنوان یک مفهوم، تمام فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد. اگرچه اجرای خطمشی یک پدیده پیچیده است اما ممکن است به‌عنوان یک فرایند، یک برون‌داد یا یک پیامد در نظر گرفته شود. خطمشی‌گذاری در یک فرایند سه‌مرحله‌ای تدوین، ساماندهی و ارزیابی صورت می‌گیرد که این سه مرحله بر روی یک پیوستار می‌باشند، اما آنچه که نمو می‌یابد و مردم مستقیم درک می‌نمایند، نتایج حاصل از سازمان‌دهی خطمشی می‌باشد؛ بنابراین اجرای خطمشی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است (معمارزاده و شگری، ۱۳۸۵). اجرای خطمشی شامل کلیه فعالیت‌هایی که منتج به به‌کارگیری رسمی خطمشی هستند، می‌باشد. پیاده‌سازی خطمشی آن چیزی است که بعد از قانون‌گذاری اتفاق می‌افتد ولی نباید قانون‌گذاری را به‌عنوان پایان خطمشی‌گذاری دانست. گاهی اوقات قوانین تصویب می‌شوند ولی چیزی اتفاق نمی‌افتد یا گاهی قوانین تصویب می‌شوند و نهادهای اجرایی فراتر از انتظار قانون‌گذاران عمل می‌کنند (مختاریان‌پور و حسینی، ۱۳۹۵). باید در نظر داشت که

منتقدان خط‌مشی بعد از تصویب قانون، مخالفتشان را به پایان نرسانیده و در اجرای خط‌مشی با سازمان‌دهی، بودجه‌ریزی، کارمندیابی، ایجاد مقررات، هدایت و هماهنگی برنامه‌ها مخالفت می‌کنند و حتی اگر منتقدان در به تأخیر انداختن یا متوقف کردن اجرای برنامه‌ها ناموفق باشند، اهداف خود را از طریق قضایی دنبال خواهند کرد. به‌طور خلاصه تضاد یک مشکل همیشگی در اجرای خط‌مشی خواهد بود (دوبلستین، ۲۰۰۳). در اصل نسبت به موضوع اجرای خط‌مشی عمومی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام از زاویه‌ای خاص به اجرا می‌نگرند و با پیش‌فرض‌های خود سازوکارهای معینی را توصیه می‌کنند. پیترز (۱۹۸۹ م) به چهار نوع سبک در انتخاب ابزار اجرا اشاره می‌کند که آگاهی از آن‌ها ضروری است. در سبک اول ابزارگرایان قرار دارند که شدیداً پایبند جهان‌بینی خاص و ضوابط حرفه‌ای خود هستند و بدون توجه به نوع و ماهیت مسئله و مشکل به یک سلسله ابزارهای معین و یکسان تعلق خاطر دارند. این گروه در اجرا به‌طور جدی مواجه با مشکل بوده و توفیق چندانی در استقرار خط‌مشی‌ها ندارند، زیرا یک ابزار برای تمامی خط‌مشی‌ها کارساز نبوده و طبیعتاً موجب اشکال می‌گردد. در سبک دوم فرایندگرایان قرار دارند که به یک ابزار خاص گرایش نداشته و فرایند را مبنای انتخاب ابزار اجرا قرار می‌دهند. خط‌مشی‌گذاری یک مرحله‌ای نیست بلکه فرایندی پویا از سازگاری و تطبیق می‌باشد و در طی این فرایند است که ابزار اجرا تعیین می‌شود. به این ترتیب در این سبک ابزار به‌عنوان یک شیوه معین برای همه خط‌مشی‌ها معنی نداشته، بلکه در جریان خط‌مشی‌گذاری تعیین می‌گردد. در سبک سوم اقتضائیون قرار می‌گیرند که می‌کوشند تا با ایجاد ارتباط میان مشکل و ابزار، راه‌حل‌های اجرایی مناسب را پیدا کنند. بر فرض اگر خط‌مشی در زمینه موضوع کشاورزی است، شیوه و ابزار اجرا نیز باید با آن متناسب باشد. در این سبک تجربه و آگاهی خط‌مشی‌گذاران نقش عمده‌ای را در انتخاب ابزار مناسب ایفا می‌کند.

در چهارمین سبک، اعتقاد بر این است که مشکل و ابزار به همراه هم شکل می‌گیرند و این‌طور نیست که ابتدا مشکل تعریف شده و سپس ابزار اجرای آن تعیین گردد. تعریف ابزار و تعیین مشکل طی یک فرایند سیاسی که خط‌مشی‌گذاران با مخاطبان و محیط

خط‌مشی در ارتباط قرار می‌گیرند، شکل می‌گیرد. هم‌زمانی تعیین و تعریف مشکل با مشخص کردن ابزار اجرا و ارتباط با محیط، از ویژگی‌های عمده این سبک است (پیترز، ۲۰۰۱). در طبقه‌بندی دیگری دو دیدگاه حرفه‌گرایی و سیاست‌مداری در انتخاب ابزارهای اجرا، مطرح گردیده است. حرفه‌گرایان انتخاب ابزار را امری فنی و تخصصی تلقی کرده و آن را تابع نوع و ماهیت مشکل و مقتضیات فنی و اجرایی آن می‌دانند. اینان به روال تعقل‌گرایان خط‌مشی‌گذار می‌کوشند تا با اتکا به دانش و تخصص‌های موجود به بهترین شیوه اجرا دست یابند. در حالی که سیاستمداران بر انتخاب ابزار اجرا با توجه به نیروهای سیاسی و فضای حمایتی موجود، تأکید می‌ورزند. به‌زعم آنان انتخاب ابزار اجرا امری سیاسی و حاصل دادوستد میان نیروهای مؤثر در تصمیم‌گیری است. اقتصادپون که جزء حرفه‌گرایان محسوب می‌شوند اعم از کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها، بر این باورند که ابزارهای اقتصادی قادرند تا خط‌مشی‌های عمومی را به‌طور مؤثری به اجرا درآورند. طرفداران اقتصاد رفاه دخالت‌های مستقیم دولت را برای اصلاح خطاهای بازار مجاز دانسته‌اند و ابزارهایی که این دخالت را ممکن می‌سازند، توصیه می‌کنند. نئوکلاسیک‌ها با توجه به تئوری انتخاب عمومی، نوعی آزادسازی و مقررات‌زدایی را در خط‌مشی‌ها لازم دانسته و بازار را به‌عنوان سازوکاری که براساس معادلات اقتصادی عمل می‌کند، ابزار اجرایی مناسب می‌دانند. سیاستمداران که دارای گرایش سیاسی در انتخاب ابزار اجرایی خط‌مشی‌ها هستند، معتقدند ابزارها از نظر فنی و تخصصی قابل جایگزینی هستند و هرکدام را می‌توان به‌جای دیگری به کار برد. به اعتقاد آنان آنچه در انتخاب ابزار اجرا مهم است، سیاست‌های حاکم است. دولت‌ها براساس سیاست‌های خود اغلب مایلند از شیوه‌هایی استفاده کنند که تنش کمتری ایجاد نمایند و کمتر جنبه اجباری و قهری داشته باشند. البته این امر در تمامی دولت‌ها مصداق ندارد. سیاست‌های دولتی تابعی از دیدگاه سیاستمداران، محدودیت‌های فراوان اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور بوده و تنها نظرات گروهی خاص تعیین‌کننده

نمی‌باشد. هود معتقد است انتخاب ابزار اجرای کاری فنی و تخصصی نبوده، بلکه موضوعی سیاسی و تابع شرایط عمومی است. انتخاب ابزار تحت تأثیر محدودیت‌های منابع، فشارهای سیاسی، محدودیت‌های قانونی و تجربیات حاصل از شکست‌ها و موفقیت‌های گذشته، شکل می‌گیرد (هود، ۱۹۸۶).

گرچه بس‌تر اصلی تحقیقات مرتبط با اجرای خط‌مشی در چارچوب مطالعه تغییر خط‌مشی در درون دولت‌ها قرار دارد، ولی اهمیت رو به افزایش خط‌مشی‌گذاری در سطح بین‌المللی موجب مطرح شدن ادبیات گسترده‌ای شد که اجرای خط‌مشی‌های بین‌المللی، در سطح محلی را موضوع مطالعه و بررسی خود قرار دادند (جاکوبسون، ۱۹۹۸). بر اساس دیدگاه کلان تحلیلی، اکثر مطالعات صورت‌گرفته در زمینه اجرای قوانین اتحادیه اروپا، مبتنی بر دیدگاه بالا به پایین بود. فرایندهای اجرا اغلب با این دید مورد توجه قرار می‌گرفتند که خط‌مشی‌های مصوب مرکزی باید به اجرا درآیند. هر نوع انحراف از اهداف اولیه به‌عنوان مشکلی اجرایی تلقی می‌شد که اجرای دقیق خط‌مشی‌های مصوب در سطح اروپا را به چالش می‌کشید؛ این مسائل عموماً به راهبرد حل مشکل قانونی مورد نظر «بوروکرات‌های سطح خیابان» نسبت داده نمی‌شد و اساساً این موضوع مورد توجه قرار نمی‌گرفت. با وجود این، تغییری که در طی زمان رخ داد، آن بود که آگاهی محققان نسبت به این موضوع که «اجرای یک فرآیند سیاسی است و تحقق خط‌مشی‌ها اغلب به‌واسطه مقاومت‌های سیاسی بازیگران محلی با مشکل مواجه می‌شود»، افزایش یافت؛ بنابراین مطالعات مرتبط با بحث اجرا در سطح اتحادیه اروپا به سمت نظریه‌های ترکیبی سوق پیدا کرد (تریب، ۲۰۰۸).

تصمیم‌گیری در سطح کلان برای حل مسائل و مشکلات کلان توسط دولت‌ها برای رسیدن به مصالح و منافع عامه مردم را خط‌مشی‌گذاری می‌گویند که فرایند آن به‌طور کلی بعد از احساس مشکل و ادراک مشکل شامل تدوین خط‌مشی، اجرای خط‌مشی و ارزیابی خط‌مشی می‌شود. باید توجه داشت که علم خط‌مشی‌گذاری عمر چندانی نداشته، اما به

دلیل تأثیرات عمیق آن در برطرف کردن مشکلات و مسائل عامه جامعه در زمینه‌های مختلف از جمله خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی و خط‌مشی‌گذاری اقتصادی و ...، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده و مورد توجه و اقبال ویژه‌ای قرار گرفته است. مرحله اجرا یکی از مهم‌ترین و پرچالش‌ترین مراحل فرایند خط‌مشی‌گذاری می‌باشد؛ زیرا این مرحله نقطه آغازین تحقق هدف‌ها می‌باشد و پس از آن در مرحله ارزیابی میزان دستیابی به این اهداف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در نتیجه این ارزیابی‌ها است که نشان می‌دهد تا چقدر اجرای خط‌مشی‌های تدوین شده موفقیت‌آمیز یا با شکست همراه بوده است. فرایند اجرای خط‌مشی در محیطی اجرا می‌شود که بازیگران مختلفی در آن نقش دارند و در عین حال، این بازیگران با یکدیگر تعامل داشته و این تعاملات با توجه به تفاوت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... روی فرآیند اجرای خط‌مشی تأثیرات قابل توجهی می‌گذارند (صادق مودب، ۱۳۸۴). به دلیل همین تفاوت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، به‌کارگیری الگوهای ارائه‌شده توسط نظریه‌پردازان مختلف در تمامی شرایط کار چندان مناسب نمی‌باشد. در نتیجه برای اجرای موفق خط‌مشی‌های تدوین شده نیاز است که الگوهایی متناسب با شرایط خاص آن خط‌مشی و حوزه اجرایی آن ارائه گردد. مجریان خط‌مشی همواره به این نکته اذعان داشته‌اند که آنچه را که با قاطعیت بایستی مراقبت شود، پیاده‌سازی قانون است و برای انجام این کار، باید با فراهم آوردن شرایط خاص آن قانون، در این مسیر قدم گذاشته شود، چراکه تا زمانی که این شرایط نباشد، هرچند که قانون خوبی تدوین شود، نمی‌توان آن را پیاده‌سازی کرد. یکی از زمینه‌های جدید برای بررسی اجرای خط‌مشی (و حتی تدوین خط‌مشی)، یافتن شرایط خاص است. به‌طور مشخص، خط‌مشی‌گذاری و اجرا در شرایط بحران، یکی از این موضوعات است. گاهی بحران‌ها موقت و زودگذر هستند (نظیر سیل و زلزله)، ولی گاهی بحران‌ها بلندمدت هستند. به‌طور مثال رکود اقتصادی در آمریکا و اروپا در دهه ۱۹۷۰ میلادی یا تکرار همین رخداد در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ میلادی و ادامه آن در

برخی از کشورهای اروپایی (نظیر یونان و قبرس)، از مصادیق قابل ذکر هستند که به طور فوری نیاز به حل این مسئله عمومی وجود داشت (پوچارون و سواکول، ۲۰۱۲). در این قسمت سعی می‌کنیم به تعدادی از پیشینه‌های تحقیقات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع اشاره کنیم. در ابتدا سعی می‌شود به پیشینه‌های داخلی و سپس به پیشینه‌های خارجی اشاره شود.

جدول ۱. پیشینه تحقیقات داخلی

محقق (سال)	موضوع	ابزار گردآوری	یافته‌های تحقیق
شرفی و همکاران (۱۳۹۸)	بررسی رابطه بین عوامل مرتبط با میزان اجرای خط‌مشی‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران با توجه به نقش میانجی مسئولیت‌پذیری اجتماعی	سه پرسشنامه محقق‌ساخته، عوامل مرتبط، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و میزان اجرای خط‌مشی‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی	میان مؤلفه‌های عوامل مرتبط (فنی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، عوامل ناشی از خط‌مشی‌گذاری و عوامل ساختاری) با مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه معنی‌دار (از نوع مستقیم) وجود دارد و رابطه میان عوامل فنی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی از شدت بیشتری برخوردار است و بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و میزان اجرای خط‌مشی‌های شبکه‌های اجتماعی و بین مؤلفه‌های عوامل مرتبط با میزان اجرای خط‌مشی‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه معنی‌دار (از نوع مستقیم) وجود دارد.
عباسی و همکاران (۱۳۹۷)	شناسایی عوامل تسهیل‌کننده خط‌مشی‌گذاری در حوزه تحقیقات و فناوری	پرسشنامه	عوامل فردی، زمینه‌ای و نهادی. سطح فردی؛ ارتقای توان و تخصص خط‌مشی‌گذاری و بهره‌گیری از ایده‌های نخبگان. عوامل زمینه‌ای؛ ارزشیابی پژوهش‌های خط‌مشی‌های پیشین، رسانه‌های جمعی و ایجاد بستر تعاملی خط‌مشی و همچنین عوامل نهادی؛ انجمن‌های حرفه‌ای علمی، ایجاد کانون‌های تفکر، بازنگری در نهادهای تأثیرگذار در خط‌مشی را شامل می‌شوند.
جمشیدی بروجردی و همکاران (۱۳۹۷)	طراحی چارچوب مفهومی خط‌مشی‌های تنظیمی در فضای محتوای مجازی جمهوری اسلامی ایران	مطالعه اسنادی - کدگذاری	که در پنج بخش نیاز به ابزارهایی تنظیمی در سطح فضای مجازی داریم که این پنج بخش شامل: قانونی - حقوقی، اقتصادی، فنی، نهادی و خودتنظیمی می‌باشد، همچنین از لحاظ محتوایی باید درون‌مایه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی، فنی، امنیتی، آموزشی، حقوقی - قضایی و مذهبی - اعتقادی را مورد توجه قرار داد.

محقق (سال)	موضوع	ابزار گردآوری	یافته‌های تحقیق
الوانی و همکاران (۱۳۹۳)	تدوین الگوی خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی کشور	مبانی نظری و مصاحبه	ابتدا الگوی ترکیبی، سپس الگوی موجودیت‌های مؤثر، الگوی تعامل در فرایند خط‌مشی‌گذاری، فرایند تدوین خط‌مشی‌گذاری و عوامل مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌گذاری در فضای مجازی مورد توجه قرار گرفت.

جدول ۲. پیشینه تحقیقات خارجی

محقق (سال)	موضوع	ابزار گردآوری	یافته‌های تحقیق
Stuart Fowler, Craig Sweetman, Keith F. Joiner و Elena Sitnikova (۲۰۱۷)	تدوین خط‌مشی‌های امنیت فضای مجازی در اکسپات دفاعی استرالیا	پرسشنامه	نتایج به‌دست‌آمده نشان داد در بحث دفاع، انعطاف‌پذیری سایبر باید در کل چرخه حیات در نظر گرفته شده و توسعه سیاست مرتبط با این نیاز کلی باید شناخته شود.
William Riza Azmi, Khin Than و Tibben Win (۲۰۱۶)	انگیزه‌های خط‌مشی امنیت فضای مجازی: نقد ادبی از خط‌مشی امنیت فضای مجازی ملی	مطالعه اسنادی	راهبرد امنیت ملی سایبری دیدگاه‌های مختلفی را در مورد تعریف امنیت سایبری که مبتنی بر محیط داخلی و خارجی کشور است به‌عنوان انگیزه‌های امنیتی سایبری مورد بررسی قرار می‌دهد.
Oluwafemi Osho و Agada D. Onoja (۲۰۱۵)	سیاست و خط‌مشی امنیت فضای مجازی ملی نیجریه: یک تحلیل کیفی	مصاحبه و مشاهده	نگرانی‌های خاصی در رابطه با سیاست و راهبرد امنیت ملی سایبری نیجریه وجود دارد که یکی از توصیه‌ها در این رابطه این است که توسعه یک قابلیت نظامی سایبری با توانایی ارائه ضد تروریسم سایبری در صورت جنگ سایبری باید به‌طور جدی در اسناد مورد بررسی قرار گرفته و شامل آن شود.
Sanjay Chhabra (۲۰۱۳)	ارزیابی انتقادی خط‌مشی امنیت فضای مجازی ملی و سازمانی هند	مصاحبه	هند باید کلیه سیاست‌های امنیت ملی را توسط شورای امنیت و NSC که توسط PMO مورد تأیید قرار گرفته است، تشکیل دهد.

با توجه به اینکه پژوهش حاضر، ماهیتاً اکتشافی می‌باشد و متغیرها و ارتباط بین آن‌ها را از طریق پژوهش کیفی استخراج می‌نماید، در این مرحله دارای چارچوب نظری یا فرضیه تحقیق نمی‌باشد؛ به عبارت دیگر پژوهش حاضر فرضیه نداشته و سؤال محور می‌باشد؛ اما می‌توان سؤال اصلی پژوهش را به شرح زیر در نظر گرفت: «الگوی اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی ایران چیست؟»، همچنین می‌توان سؤالات فرعی پژوهش را به شکل زیر مطرح کرد: «ابعاد و مؤلفه‌های الگوی اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی در ایران کدامند؟»، «روابط بین ابعاد و مؤلفه‌های اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی در ایران چگونه است؟».

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش کیفی حاضر از حیث مدل پژوهش ساندرز و همکاران، جهت‌گیری فلسفی تفسیری داشته و مبتنی بر نظریه ساختارگرایی اجتماعی است. از نظر هدف یک تحقیق اکتشافی (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۷۹) و از نظر رویکرد پژوهشی استقرایی (از جز به کل) است. همچنین از نظر روش یک تحقیق کیفی، از نظر شیوه گردآوری داده‌ها تحقیق میدانی و از نظر راهبرد (روش اجرا) سعی شده با استفاده از روش داده‌بنیاد مدل کوربین و اشتراوس اطلاعات مورد نیاز را به دست آورده و با استفاده از ابزار مصاحبه، اطلاعات مورد نیاز کشف و درک شوند (ساندرز و لويس و ترونهیل، ۲۰۰۹). از سوی دیگر این پژوهش از نگاه چگونگی گردآوری داده‌ها به‌منظور ارائه الگوی اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی در ایران از روش تحقیق کیفی استفاده خواهد کرد. برای ساخت الگو از روش کیفی نظریه داده‌بنیاد استفاده خواهد شد. افراد مورد مطالعه در این تحقیق شامل خبرگان و متخصصان آشنا با فرایند اجرای خط‌مشی در فضای مجازی هستند که اطلاعاتی از طریق مصاحبه با ۳۵ نفر از خبرگان این حوزه از طریق مصاحبه نیم‌ساختاریافته جمع‌آوری شد که به شرح جدول ۴ است. همچنین در این تحقیق از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع نمونه‌گیری نظری استفاده شد. با انجام این تعداد مصاحبه و با توجه به تکراری بودن داده‌های

استخراج‌شده، مشخص شد که اطلاعات گردآوری‌شده به نقطه اشباع رسیده و نیازی به انجام مصاحبه‌های بیشتر نیست. همچنین یکی از دلایل اصلی استفاده از روش داده‌بنیاد در این تحقیق این است که این روش برای استخراج مؤلفه‌های اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی و شناسایی متغیرهای بومی و زمینه‌ای در حوزه فضای مجازی راهگشا بوده است. روش یادشده روشی فرایندمحور است که بررسی و تغییر یک پدیده طی زمان و توصیف مراحل مختلف آن را امکان‌پذیر می‌کند.

مقبولیت به این معنا است که یافته‌های تحقیق تا چه حد در انعکاس تجارب مشارکت‌کنندگان، محقق و خواننده در رابطه با پدیده مورد مطالعه موثق و قابل باور است، اگرچه تبیین صورت‌گرفته از پدیده مدنظر می‌تواند فقط یکی از تفاسیر معتبر و پذیرفتنی از آن پدیده باشد. به‌منظور ارزیابی کیفیت پژوهش‌های مبتنی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیان (و همچنین سایر پژوهش‌های کیفی)، کوربین و استراوس، ده شاخص مقبولیت را معرفی کرده‌اند که بر مبنای آن مقبولیت پژوهش حاضر ارزیابی می‌شود (به دلیل محدودیت، سه شاخص به‌عنوان نمونه معرفی می‌شوند).

تناسب: آیا یافته‌های پژوهش با تجارب متخصصان حوزه مورد مطالعه و همچنین مشارکت‌کنندگان سازگاری و همخوانی دارد؟ آیا مشارکت‌کنندگان می‌توانند خود را در خط داستان پژوهش مشاهده کنند؟ به‌منظور تحقق این معیار، یافته‌های پژوهش حاضر توسط دو نفر از متخصصان حوزه خط‌مشی و فضای مجازی ارزیابی، پالایش و تأیید شده است. همچنین نظریه پدیدارشده به دو نفر از مشارکت‌کنندگان ارائه شد و نظرهای تکمیلی آنان دریافت و اعمال شده است. به‌طور مثال الگوی کدگذاری محوری، الگوی کدگذاری انتخابی و شاخص‌های مطرح‌شده طی جلسات مختلف به بحث گذاشته شده و در هر مرحله اصلاح و تکمیل شده است.

کاربردی بودن یا مفید بودن یافته‌ها: آیا یافته‌های تحقیق در حوزه مورد مطالعه، بینش و نگرش جدیدی فراهم می‌آورند؟ در این رابطه باید گفت یافته‌های تحقیق حاضر می‌توانند

در بُعد عملی در زمینه اتخاذ سیاست‌های متمایز و مجزای اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی مفید باشند. پژوهش حاضر در بُعد نظری نیز در توسعه دانش در حوزه اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی مؤثر بوده و بینش جدیدی را با خود به همراه دارد.

مفاهیم: مفاهیم برای ایجاد درک مناسب از پدیده مدنظر و دستیابی به زبان مشترک در حوزه مورد مطالعه ضروری هستند؛ بنابراین یافته‌های پژوهش باید بتوانند مفهوم‌پردازی‌های مناسبی را با خود به همراه داشته باشند، به گونه‌ای که از نظر متخصصان حوزه مورد مطالعه، جذاب، بدیع و ارزشمند باشند. در این تحقیق شماری از مفاهیمی که می‌توانند در توسعه مفهومی ادبیات اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی مفید باشند، حضور دارند، مفاهیمی نظیر دانش‌محوری، وجود ظرفیت آگاهی مردم و بهبود کیفیت خدمات عمومی نمونه‌هایی از این نوع هستند.

در این تحقیق پس از مصاحبه با ۳۵ تن از خبرگان حوزه اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی، داده‌های کیفی به روش داده‌بنیاد (کدگذاری باز، محوری و انتخابی) جمع‌آوری و تحلیل شدند. هدف این پژوهش کیفی داده‌بنیاد، ارائه الگوی اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی است. رویکرد روش‌شناسی پژوهش کیفی از مصاحبه با شرکت‌کنندگان و مرور متون مرتبط برای فراهم کردن این داده‌ها استفاده می‌کند. طبق نظر اورپچ و سیلور استیلن (۲۰۰۳ م)، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد از دو اصل مهم استفاده می‌کند؛ پرسش در رابطه با تجارب ذهنی مشارکت‌کنندگان نه اندازه‌گیری آن‌ها و خلق ایده‌ها و مفاهیم بر پایه کدگذاری تئوریک پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان. مصاحبه با مشارکت‌کنندگان بر مبنای پژوهش داده‌بنیاد تا جایی ادامه می‌یابد که مشارکت‌کنندگان جدید داده دیگری که به خلق مفاهیم جدید برای تئوری کمک کند را ارائه ندهند (گلاسر و استراوس، ۱۹۶۷). نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، فرایندی نظام‌مند است و ساختار نظام‌مندی شامل سه لایه کدگذاری می‌شود. الف- کدگذاری باز که نخستین طبقه‌های اطلاعات مربوط به پدیده مورد مطالعه تدوین

می‌شوند، ب- کدگذاری محوری که مفاهیم را به زیرمقوله‌ها تبدیل می‌کند و ج. کدگذاری انتخابی که ارتباط و به‌هم‌پیوستگی این مقوله‌ها را تشریح می‌کند.

جدول ۳. اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان پژوهش (خبرگان)

عوامل جمعیت‌شناختی	زیرمؤلفه	تعداد	مجموع فراوانی
جنسیت	مرد	۲۵	۳۵ نفر
	زن	۱۰	
سن	کمتر از ۳۰ سال	۵	۳۵ نفر
	۳۰ تا ۴۰ سال	۱۶	
	۴۱ تا ۵۰ سال	۸	
	بالای ۵۰ سال	۶	
پست سازمانی	مدیران ارشد	۸	۳۵ نفر
	مدیران میانی	۱۸	
	کارشناسان خبره	۹	
تحصیلات	کارشناسی و پایین‌تر	۱۰	۳۵ نفر
	ارشد	۱۸	
	دکتری	۷	
سابقه کار	کمتر از ۵ سال	۴	۳۵ نفر
	۵ تا ۱۵ سال	۱۰	
	۱۵ تا ۲۵ سال	۱۷	
	بالای ۲۵ سال	۴	

یافته‌های پژوهش

این بخش به بیان نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها و کدگذاری آن‌ها می‌پردازد. فرایند کدگذاری شرایطی را فراهم آورد که در آن داده‌های خام به مفاهیم نظری توسعه یابند. طی فرایند کدگذاری، مقوله‌ها به‌تدریج پیدا شده و توسعه یافتند. این کار با کمک روش نظام‌مند و استاندارد و طی سه مرحله کدگذاری انجام شد؛ کدگذاری باز، کدگذاری

محوری و کدگذاری انتخابی. بخش بعدی نتایج حاصل از هریک از این کدگذاری‌ها را ارائه می‌کند. با توجه به اینکه در این پژوهش از روش داده‌بنیاد نظام‌مند کوربین و استراوس به‌عنوان مبنا استفاده شده است، داده‌های تحقیق، بر مبنای این روش تحلیل شدند.

نتایج حاصل از کدگذاری باز

تحلیل نظریه‌پردازی داده‌بنیاد با تحلیل تکه‌های داده‌های هریک از افراد شروع می‌شود. مرحله آغازین شامل بخش‌بندی مستندات داده‌های مصاحبه برای تحلیل است. تفکیک داده‌ها به تکه‌ها این امکان را فراهم می‌آورد که بتوان اجزای جداگانه داده‌ها را بررسی کرد و آن‌ها را به‌گونه‌ای مفهوم‌پردازی کرد که از موقعیت ویژه‌ای که داده‌ها در آن ایجاد شده‌اند، فراتر روند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸)، این فرایند به کدگذاری باز معروف است. در جدول ۵ کدهای مستخرج از مصاحبه، مفاهیم و مقوله‌های این پژوهش معرفی می‌شوند.

جدول ۴. مفاهیم و مقوله‌های مستخرج از کدگذاری باز

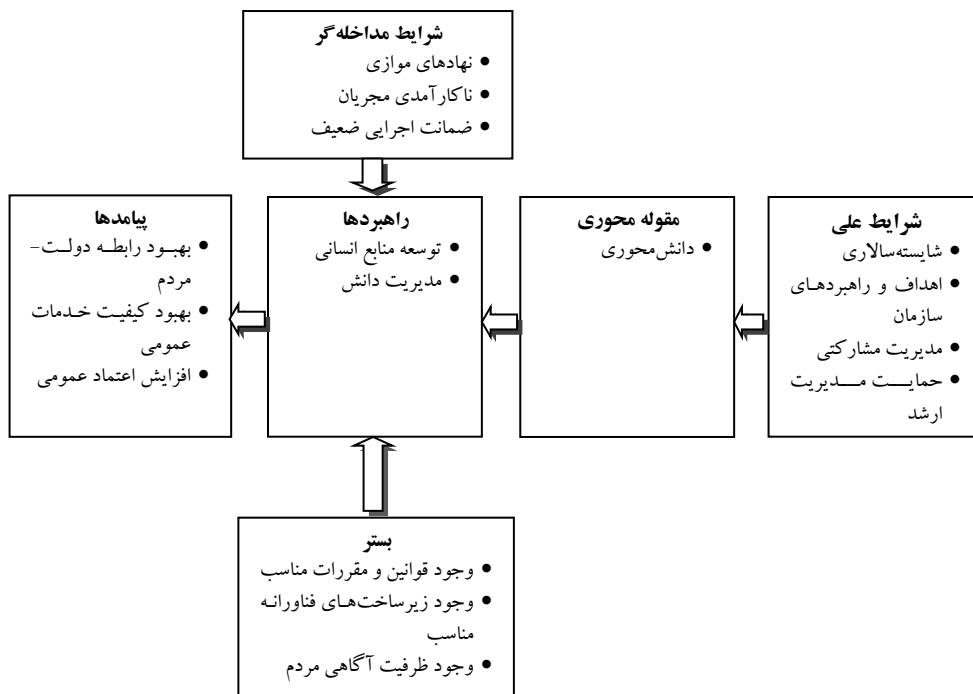
ردیف	مقوله	مفهوم
۱	دانش محوری	<ul style="list-style-type: none"> • داشتن تخصص و مهارت • داشتن توانایی مورد نیاز • داشتن تجربه مناسب
۲	شایسته‌سالاری	<ul style="list-style-type: none"> • شایسته‌گزینی مجریان • شایسته‌داری مجریان • شایسته‌گماری مجریان
۳	اهداف و راهبردهای سازمان	<ul style="list-style-type: none"> • چشم‌انداز منابع انسانی • نگرش راهبردی
۴	مدیریت مشارکتی	<ul style="list-style-type: none"> • تفویض اختیار • هماهنگی
۵	حمایت مدیران ارشد	<ul style="list-style-type: none"> • اعتماد به مجریان • تأمین منابع

ردیف	مقوله	مفهوم
۶	نهادهای موازی	<ul style="list-style-type: none"> عدم وجود متولی واحد عدم پاسخگویی
۷	ناکارآمدی مجریان	<ul style="list-style-type: none"> انتخاب نامناسب نداشتن دانش و تجربه مناسب
۸	ضمانت اجرایی ضعیف	<ul style="list-style-type: none"> نبود برنامه‌های مدون پیگیری و کنترل ضعیف
۹	وجود قوانین و مقررات مناسب	<ul style="list-style-type: none"> تدوین قوانین مناسب اجرا و پایبندی به قوانین
۱۰	وجود زیرساخت‌های فناورانه مناسب	<ul style="list-style-type: none"> وجود امکانات سخت‌افزاری وجود امکانات نرم‌افزاری
۱۱	وجود ظرفیت آگاهی مردم	<ul style="list-style-type: none"> شناسایی واقعیت‌های موجود جامعه تقویت ظرفیت عموم مردم
۱۲	توسعه منابع انسانی	<ul style="list-style-type: none"> عقلانیت کارآمدی
۱۳	مدیریت دانش	<ul style="list-style-type: none"> تولید دانش توزیع دانش کاربرد دانش
۱۴	بهبود رابطه دولت-مردم	<ul style="list-style-type: none"> افزایش رضایت مردم از دولت پذیرش تصمیمات دولت
۱۵	بهبود کیفیت خدمات عمومی	<ul style="list-style-type: none"> افزایش کارایی خدمات عمومی بقا و دوام خط‌مشی
۱۶	افزایش اعتماد عمومی	<ul style="list-style-type: none"> افزایش مشارکت اجتماعی پشتیبانی شهروندان از دولت

نتایج حاصل از کدگذاری محوری

کدگذاری محوری طی فرایند کدگذاری باز آغاز می‌شود. فرایند کدگذاری محوری به شناسایی انواع شرایط، کنش‌ها و تعاملات و پیامدهایی می‌پردازد که به یک پدیده مربوط می‌شوند. فرایند کدگذاری باز یک مقوله را به زیرمقوله‌ها پیوند می‌دهد و این کار را از راه

عبارت‌هایی که روابط بین آن‌ها را تشریح می‌کند، انجام می‌دهد و شامل جست‌وجوی سرنخ‌هایی در داده‌ها است که نشان می‌دهند مقوله‌های اساسی چگونه باهم در ارتباط هستند (گلاسر و استراوس، ۲۰۰۸). فرایند کدگذاری محوری، داده‌های به‌دست‌آمده از کدگذاری باز را ترکیب می‌کند. این تکنیک داده‌ها را طبقه‌بندی کرده و بین مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها ارتباط ایجاد می‌کند. یک مقوله دسته‌بندی‌ای از ایده‌ها است که از راه تحلیل تطبیقی مستمر نمایان می‌شوند. کدگذاری محوری ایده‌ها را به مقوله‌های کمتری، نسبت به آنچه در کدگذاری باز وجود دارد، گروه‌بندی کرده و چارچوبی چکیده‌تر ارائه می‌کند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). طی کدگذاری محوری، مقوله‌های مستخرج از کدگذاری باز در شش دسته مقوله محوری، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط بستر، راهبردها (کنش‌ها یا واکنش‌ها) و پیامدها قرار گرفته‌اند. با توجه به این توضیحات، الگوی پارادایمی کدگذاری محوری به‌صورت زیر است.



شکل ۱. الگوی پارادایمی کدگذاری محوری: دانش محوری

طی کدگذاری محوری، مقوله‌های مستخرج از کدگذاری باز تحت شش دسته شامل مقوله محوری، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط بستر، راهبردها (کنش‌ها یا واکنش‌ها) و پیامدها قرار گرفته‌اند. از بین مقوله‌های استخراج‌شده، مقوله «دانش محوری» به منزله مقوله محوری در نظر گرفته شده و در مرکز الگو قرار گرفته است. دلیل انتخاب این مقوله به منزله مقوله محوری این است که در اغلب داده‌ها ردپای آن را می‌توان به وضوح مشاهده کرد؛ به عبارت دیگر اغلب پاسخ‌دهندگان اشاره داشته‌اند که دانش محوری نیازمند وجود قوانین و مقررات مناسب، وجود زیرساخت‌های فناورانه مناسب و وجود ظرفیت آگاهی مردم می‌باشد و با روش‌ها و رویه‌های فعلی نمی‌توان به‌طور موفق به اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی پرداخت؛ بنابراین می‌توان این مقوله را در مرکز قرار داد و دیگر مقوله‌ها را به آن مرتبط نمود. برحسب انتخاب‌شده برای مقوله محوری نیز انتزاعی و در عین حال از جامعیت برخوردار است.

از میان دیگر مقوله‌ها، چهار مقوله شایسته‌سالاری، اهداف و راهبردهای سازمان، مدیریت مشارکتی و حمایت مدیران ارشد به منزله شرایط علی در نظر گرفته شده است؛ یعنی دانش محوری وابسته به این است که در زمان اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی از شایسته‌سالاری، اهداف و راهبردهای سازمان، مدیریت مشارکتی و حمایت مدیران ارشد برخوردار باشد. مقوله‌های توسعه منابع انسانی و مدیریت دانش به منزله راهبردهای رخداد دانش محوری در نظر گرفته شده‌اند؛ یعنی توسعه منابع انسانی و مدیریت دانش در اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی به‌عنوان مبنا مورد عمل قرار می‌گیرند. نهادهای موازی، ناکارآمدی مجریان و ضمانت اجرایی ضعیف نیز به منزله شرایط مداخله‌گر در نظر گرفته شده‌اند، زیرا در فرایند دانش محوری رخ داده و می‌توانند آن را محدود یا تسهیل نمایند. درنهایت مقوله‌های بهبود رابطه دولت-مردم، بهبود کیفیت خدمات عمومی و افزایش اعتماد عمومی به منزله نتایج و پیامدهای حاصل از دانش محوری در نظر گرفته شده‌اند.

نتایج حاصل از کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی آخرین مرحله از فرایند نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است که به توسعه یک تئوری نهایی می‌انجامد. طی فرایند کدگذاری انتخابی، یک مقوله محوری واحد انتخاب می‌شود و همه مقوله‌های دیگر به این مقوله محوری برمی‌گردند. بر مبنای این مقوله محوری، خط سیر واحدی شکل می‌گیرد که همه اطلاعات پیرامون آن ساماندهی می‌شوند. بحث درباره مقوله محوری نهایی که طی کدگذاری باز، محوری و انتخابی نمایان شد، در این بخش انجام می‌شود. این مقوله محوری رابطه بین سه سطح کدگذاری را مفهوم‌پردازی کرده و به تشریح ویژگی‌های مقوله‌ها کمک می‌کند. در این مرحله از کدگذاری، نظریه‌پردازی از روابط بین مقوله‌های به‌دست‌آمده در کدگذاری محوری، نظریه‌ای به نگارش درمی‌آورد که پدیده مورد مطالعه را به‌گونه‌ای انتزاعی تشریح می‌کند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸).

در این مرحله تلاش می‌شود تا با کمک فنونی مانند نگارش خط داستان و یادداشت‌های شخصی، فرایند یکپارچه‌سازی و بهبودبخشی نظریه انجام شود. در نگارش خط داستان، پژوهشگر این مسئله را که چگونه عوامل خاصی بر پدیده مورد مطالعه اثر می‌گذارند و به نتایج ویژه‌ای می‌انجامند، تشریح می‌کند (خاکی، ۱۳۷۹).

به بیانی دیگر، کدگذاری انتخابی مقوله‌های به‌دست‌آمده از کدگذاری محوری را در نظر می‌گیرد، یکی از آن‌ها را به‌عنوان مقوله محوری انتخاب می‌کند و به‌گونه‌ای نظام‌مند آن را به سایر مقوله‌ها ارتباط می‌دهد. مقوله‌هایی که به توسعه و بهبود بیشتری نیاز دارند را نیز تکمیل می‌کند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸).

در این قسمت بر مبنای مقوله محوری و با کنار هم قرار دادن و چیدمان سایر مقوله‌ها تلاش می‌شود روایتی از تجربه اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی شرح داده شود. پرسش این است که چگونه می‌توان در فضای مجازی خط‌مشی‌ها را اجرایی کرد. تشریح مقوله محوری می‌تواند نقطه شروع پرداختن به این بحث باشد.

مقوله محوری: دانش محوری

در این پژوهش دانش محوری به منزله مقوله محوری در نظر گرفته شده، زیرا ردپای آن در بخش‌های مختلف داده‌ها وجود داشته و نقشی محوری را دارا است، به نحوی که می‌تواند دیگر مقوله‌ها را حول خود جمع کند. دانش محوری فرایندی است که به سازمان‌ها کمک می‌کند تا اطلاعات مهم را بیابند، گزینش، سازمان‌دهی و منتشر کنند و تخصصی است که برای فعالیت‌هایی چون حل مشکلات، آموختن پویا، برنامه‌ریزی راهبردی و تصمیم‌گیری ضروری است. دانش محوری هرگونه فرایند یا عمل تولید، کسب، تسخیر، ترویج و جامعه‌پذیری و کاربرد آن است، در هر جایی که دانش استقرار یابد، یادگیری و عملکرد سازمان را افزایش می‌دهد. دانش محوری فرایندی است که از آن طریق سازمان به ایجاد سرمایه حاصل از فکر و اندیشه اعضا و دارایی مبتنی بر دانش می‌پردازد. یکی از مفاهیم مستخرج از کدگذاری باز، مفهوم داشتن تخصص و مهارت می‌باشد. مهارت، اشاره به توانایی‌هایی دارد که الزاماً ذاتی نیستند، اما قابل پرورش هستند، به‌خصوص در نحوه انجام وظیفه فرد و نه در توانایی‌های بالقوه او انعکاس می‌یابد؛ بنابراین ضابطه اصلی مهارت، اقدام مؤثر در شرایط متغیر است. مطالعات انجام‌شده در زمینه مهارت‌های مدیران، اغلب بر سه نوع مهارت فنی، انسانی و ادراکی تأکید می‌کنند. یکی دیگر از مفاهیم مستخرج از کدگذاری باز، مفهوم داشتن توانایی مورد نیاز است که عبارت است از مجموعه‌ای از واکنش‌های ذهنی و عینی که شخص را برای انجام کاری نمایان در زمانی مشخص قادر می‌سازند. اساس این اصطلاح این است که شخص قادر است آن کار را حالا انجام دهد و نیازی برای آموزش بیشتر ندارد. یکی دیگر از مفاهیم مستخرج از کدگذاری باز، مفهوم داشتن تجربه مورد نیاز است. منظور از تجربه، تأثیر متقابل فرد و محیط است که این تأثیر متقابل در فرد موجب یادگیری و بروز عکس‌العمل در مواجهه مجدد با رخدادهای محیطی می‌شود. تغییر رفتار نتیجه دیگری است که با یادگیری و در اثر این تأثیر متقابل رخ می‌دهد. در علم سازمان و مدیریت، تجربه، توصیفی از یک موقعیت واقعی شامل یک تصمیم و آثار آن در مواجهه با یک مسئله، فرصت یا یک موضوع خاص

می‌باشد. در نهایت باید گفت همواره شیوه به‌کارگیری مفاهیم علمی و مشکلات فرهنگی در پیوند علم و تجربه، مهم‌ترین چالش سازمان‌ها بوده و نفی هریک از آن‌ها غیر اصولی و نادرست است. بهترین شیوه مدیریت تعارضات در این خصوص شناخت ریشه تعارض و حل آن با ایجاد تعامل سازنده خواهد بود.

شرایط علی

شرایط علی مجموعه‌ای از وقایع و شرایط است که بر مقوله محوری اثر می‌گذارند. چهار مقوله «شایسته‌سالاری»، «اهداف و راهبردهای سازمان»، «مدیریت مشارکتی» و «حمایت مدیران ارشد» تحت مؤلفه‌های اثرگذار بر «دانش محوری» در نظر گرفته شده‌اند. «شایسته‌سالاری» مقوله علی است که در سطح سازمانی بر دانش محوری اثر می‌گذارد. این مقوله متشکل از مفاهیم «شایسته‌گزینی مجریان» و «شایسته‌داری مجریان» و «شایسته‌گماری مجریان» است. شایسته‌سالاری به شیوه‌ای از حکومت یا مدیریت گفته می‌شود که در آن دست‌اندرکاران بر پایه توانایی و شایستگی‌شان برگزیده شوند و نه بر پایه قدرت مالی یا موقعیت اجتماعی و فامیلی. «اهداف و راهبردهای سازمان» مقوله علی است که بر دانش محوری اثر می‌گذارد. این مقوله متشکل از مفاهیم «چشم‌انداز منابع انسانی» و «نگرش راهبردی» است. چشم‌انداز منابع انسانی یعنی اینکه امروزه توسعه منابع انسانی به‌عنوان پیش‌نیازی جهت دستیابی به توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی و یکی از مباحث اصلی و مورد توجه در اقصی نقاط جهان بوده و از ارکان رشد و توسعه سازمان‌ها و فصل جدیدی در مدیریت نیروهای انسانی می‌باشد. در این راستا تحقق اهداف سازمانی، منوط به همسو بودن سیاست‌های پرسنلی و خط‌مشی سازمانی خواهد بود. به‌ویژه اینکه تلاش مستمر همه اعضای گروه، بر پایه فرهنگ و ارزش‌های سازمانی و اعتقاد راسخ به کار و تلاش هرچه بیشتر و اعتمادبه‌نفس کامل همراه باشد. «مدیریت مشارکتی» مقوله علی است که در سطح سازمانی بر دانش محوری اثر می‌گذارد. این مقوله متشکل از مفاهیم «تفویض اختیار» و «هماهنگی» است. مدیریت مشارکتی به معنای مشارکت افراد مناسب، در زمان

مناسب و برای انجام کار مناسب است. بر پایه این تعریف، مشارکت کارکنان در کارهایی که به خود آن‌ها مربوط می‌شود؛ مشارکتی داوطلبانه، ارادی و آگاهانه خواهد بود که این درگیری شخص را تشویق می‌کند که به تحقق هدف‌های گروه کمک کند و در مسئولیت‌ها و پیامدهای آن‌ها سهیم شود. مدیریت مشارکتی دو هدف عمده را دنبال می‌کند: نخست، ارج نهادن به ارزش‌های انسانی و به یاری طلبیدن افرادی که به‌نوعی با سازمان در ارتباط‌اند. دوم، رسیدن به هدف‌های از پیش تعیین‌شده به کمک همین افراد. گسترش فرهنگ مدیریت مشارکتی بسان رویکردی نو و جامع به کل مجموعه، بخشی از هدف‌های بلندمدت مدیریت است که نظام‌های اجرایی آن را با توجه به شرایط خاص سازمان طراحی و به‌مورد اجرا می‌گذارند و با جابه‌جایی فرد یا بروز اتفاقی خاص، متوقف نمی‌شود. «حمایت مدیران ارشد» مقوله علی‌است که در سطح سازمانی بر دانش‌محوری اثر می‌گذارد. این مقوله متشکل از مفاهیم «اعتماد به مجریان» و «تأمین منابع» است. امروزه تسهیم دانش به‌عنوان یکی از اجزای فرایند مدیریت دانش در بالندگی سازمان‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. فرهنگ سازمانی و حمایت مدیران ارشد در سازمان تأثیر به‌سزایی بر روی به‌اشتراک‌گذاری دانش دارد. فرهنگ سازمانی به‌عنوان سامانه ارزش‌ها و نگرش‌های یک سازمان که نگرش افراد را نشان می‌دهد و حمایت سرپرستان، شرایط مطلوب کاری را برای افراد به وجود می‌آورد.

وجود حمایت مدیران ارشد نیز بسیار اهمیت دارد؛ وجود اصل اعتماد به مجریان و تأمین منابع کمک می‌کند که مجریان خط‌مشی در حوزه فضای مجازی درست عمل کنند و به بهبود روابط و تسهیل انجام وظایف سازمانی منجر می‌شود، درواقع ما با اعتماد به مجریان و تأمین منابع مناسب می‌توانیم بهبود عملکرد در حوزه اجرای خط‌مشی داشته باشیم.

راهبردها

راهبردها یا کنش‌ها اقدامات هدفمندی هستند که راه‌حل‌هایی برای پدیده مورد نظر فراهم می‌سازند و منجر به ایجاد پیامدها و نتایج می‌شوند. راهبردهای «توسعه منابع انسانی»

و «مدیریت دانش» راه‌حل‌هایی جهت دانش‌محوری هستند؛ به عبارت دیگر دانش‌محوری از توسعه منابع انسانی و مدیریت دانش محقق خواهد شد. «توسعه منابع انسانی» راهبردها اقداماتی هستند که راه‌حل‌هایی را برای دانش‌محوری فراهم می‌کنند. این مقوله متشکل از مفاهیم «عقلانیت» و «کارآیی» است. فرایند دانش‌محوری نیازمند طراحی و تدوین سیستمی است که به‌طور منسجم و یکپارچه به اداره خط‌مشی‌ها بپردازد. توسعه منابع انسانی یکی از مهم‌ترین فرصت‌ها است که به شرکت‌ها کمک می‌کند که با تشویق کارکنان جهت توسعه دادن به توانایی‌های خود، کارکنان را در موقعیت خود حفظ و در آن‌ها انگیزه ایجاد کنند. توسعه منابع انسانی شامل فرصت‌هایی همچون آموزش فردی کارکنان، توسعه شغلی کارکنان متناسب با وظیفه‌ای که بر عهده دارند و یا در آینده خواهند داشت، مدیریت اجرا و برنامه‌ریزی، شناسایی کارکنان کلیدی، ابزارهای کمک‌آموزشی و توسعه سازمان است. «مدیریت دانش» راهبردها اقداماتی هستند که راه‌حل‌هایی را برای اجرای دانش‌محوری فراهم می‌کنند. این مقوله متشکل از مفاهیم «تولید دانش» و «توزیع دانش» و «کاربرد دانش» است. در عصر اطلاعات، مزیت اصلی در سرمایه دانش نهفته است. دانش در دنیای پیشرفته امروز به‌سرعت در حال تبدیل شدن به مزیت رقابت اصلی سازمان‌ها می‌باشد. روند اوج یافتن نقش دانش، نوآوری و فناوری‌های نوین در ایجاد مزیت‌های راهبردی و اهمیت یافتن ارزش منابع دانش در اداره سازمان‌ها موجب شده است تا مقوله مدیریت دانش در قلب سیاست‌های راهبردی سازمان‌ها جای گیرد.

شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر مجموعه‌ای از وقایع و شرایط هستند که پس از شروع مطالعه و در حین انجام پژوهش رخ می‌دهند. در پژوهش حاضر شرایط مداخله‌گر عواملی هستند که در فرایند اجرای راهبردهای دانش‌محوری رخ می‌دهند. مقوله «نهادهای موازی»، «ناکارآمدی مجریان» و «ضمانت اجرایی ضعیف» به منزله شرایط مداخله‌گر در فرایند اجرای راهبردهای دانش‌محوری در نظر گرفته شده‌اند. «نهادهای موازی» یکی از شرایط

مداخله‌گری هستند که بر روی دانش‌محوری در اجرای خط‌مشی در فضای مجازی اثر منفی می‌گذارند. این مقوله متشکل از مفاهیم «عدم وجود متولی واحد» و «نبود پاسخگویی» است. پاسخگویی یکی از چالش‌هایی است که دولت‌ها امروزه با آن مواجه هستند. امروزه دولت‌ها بایستی نسبت به خط‌مشی‌ها و اقداماتشان پاسخگو باشند. هر دولتی نیازمند یک سامانه پاسخگو است و لازمه دموکراسی، داشتن یک سامانه پاسخگویی مناسب است. سازمان‌های دولتی، به‌وسیله مردم و برای مردم ایجاد می‌شوند و می‌بایست در برابر آن‌ها پاسخگو باشند. رابطه بین دولت و شهروندان، سامانه پاسخگویی را شکل می‌دهد که به موجب آن، سازمان‌های دولتی وظایف مربوط را انجام می‌دهند و شهروندان اجازه می‌دهند که این وظایف انجام شوند، مشروط بر اینکه وکیل از حد خود تجاوز نکند و پاسخگو باشد. «ناکارآمدی مجریان» یکی از شرایط مداخله‌گری است که بر روی دانش‌محوری در اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی اثر منفی می‌گذارد. این مقوله متشکل از مفاهیم «انتخاب نامناسب» و «نداشتن دانش و تجربه مناسب» است. اجرای صحیح و مطلوب خط‌مشی‌های فضای مجازی به‌عنوان محرک نوآوری و رشد اقتصادی، نقش کلیدی در توسعه اقتصادی و ظهور اقتصادهای مبتنی بر دانش و نوآوری دارد. مرحله اجرا یکی از مهم‌ترین و پرچالش‌ترین مراحل فرایند خط‌مشی‌گذاری می‌باشد. این مرحله نقطه آغازین تحقق هدف‌ها است. عوامل متعددی می‌توانند در اجرای یک خط‌مشی نقش داشته باشند. محققان هریک به نوبه خود، عوامل مؤثر بر اجرای موفق یک خط‌مشی را بیان کردند. توجه نداشتن به این عوامل می‌تواند در اجرای خط‌مشی‌ها چالش ایجاد کند. «ضمانت اجرایی ضعیف» یکی از شرایط مداخله‌گری است که بر روی سامانه دانش‌محوری در اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی اثر منفی می‌گذارد. این مقوله متشکل از مفاهیم «نبود برنامه‌های مدون» و «پیگیری و کنترل ضعیف» است. ضمانت اجرایی ضعیف یکی دیگر از مقوله‌های مربوط به شرایط مداخله‌گر است که در فرایند اجرای راهبردهای دانش‌محوری می‌تواند اختلالاتی را ایجاد نماید. چالش‌های مختلفی بر سر راه اجرای یک خط‌مشی وجود دارد و دولت‌ها با رعایت هرچه بهتر عوامل مؤثر بر اجرای

موفق خط‌مشی‌ها تا آنجا که امکان دارد باید از موانع اجرای موفق خط‌مشی‌های عمومی دوری جویند. همه جوامع در زمینه خط‌مشی‌گذاری و نیز اجرای مؤثر و موفقیت‌آمیز آن کم و بیش با مشکلات مشابهی مواجه‌اند و در اغلب متون مربوط به خط‌مشی‌گذاری می‌توان فهرستی از مشکلات عمومی را بر سر راه فرایند خط‌مشی‌گذاری یافت.

شرایط بستر

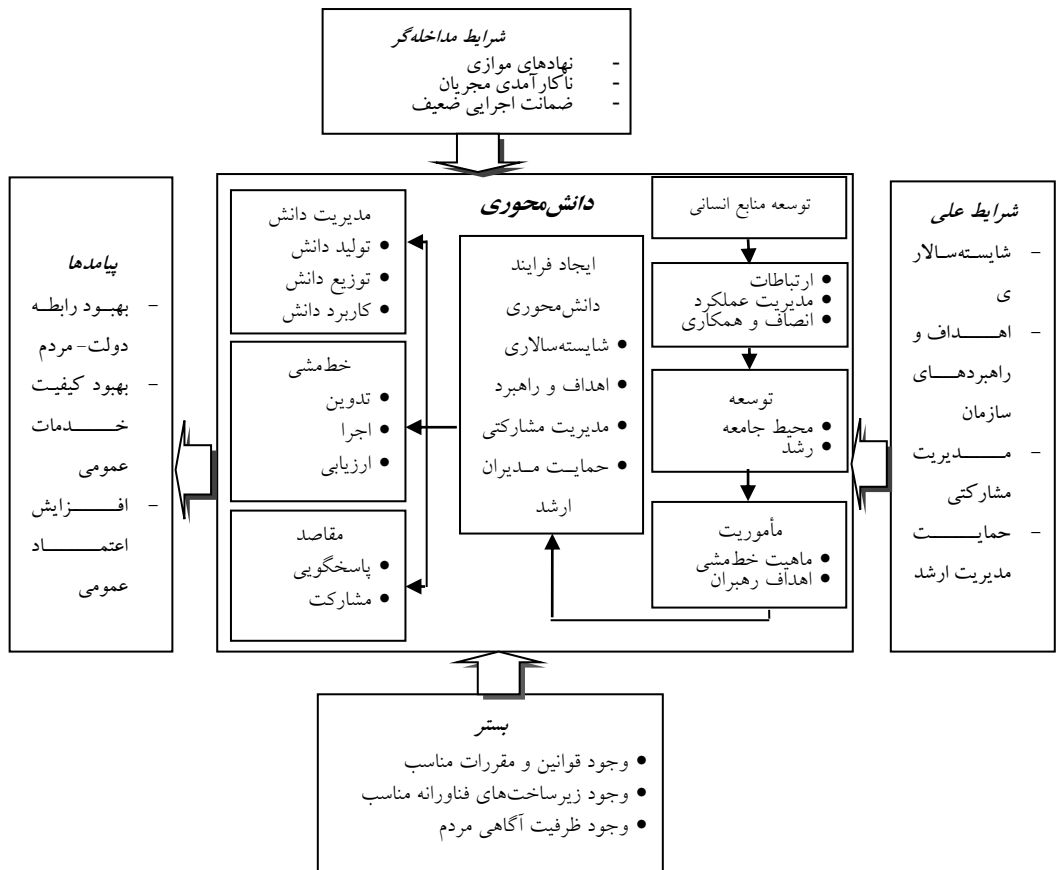
شرایط بستر مجموعه شرایطی هستند که زمینه پدیده مورد نظر را فراهم می‌سازند و بر رفتارها و کنش‌ها تأثیر می‌گذارند. شرایط بستر، مقوله‌محوری و نتایج منتج از آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این پژوهش مقوله‌های «وجود قوانین و مقررات مناسب»، «وجود زیرساخت‌های فناورانه مناسب» و «وجود ظرفیت آگاهی مردم» به منزله شرایط بستر در نظر گرفته شده است. این مقوله متشکل از مفاهیم «تدوین قوانین مناسب» و «اجرا و پایبندی به قوانین» می‌باشد، این مقوله اشاره به این دارد که دانش‌محوری در بستر تدوین و اجرای قوانین مناسب صورت می‌گیرد، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عصر حاضر، تحولات سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات است. این تحولات، فرصت‌های بسیاری را در حوزه‌های مختلف برای انسان‌ها ایجاد نموده و باعث بهبود و تغییر در زندگی آن‌ها شده است. اینترنت به‌عنوان شبکه جهانی اطلاعات و ارتباطات، بزرگ‌ترین پدیده این تحولات است. بدون تردید اینترنت نقش مهمی در تأمین حق آزادی بیان دارد. افراد زیادی در سراسر جهان از طریق اینترنت به دنیایی از اطلاعات دسترسی پیدا می‌کنند. اینترنت با تحولی که در فضای رسانه‌ای ایجاد نموده، به معنای واقعی توانسته در این زمینه مؤثر باشد. این مقوله متشکل از مفاهیم «وجود امکانات سخت‌افزاری» و «وجود امکانات نرم‌افزاری» می‌باشد. این مقوله اشاره به این دارد که فرایند دانش‌محوری در بستر وجود زیرساخت‌های فناورانه مناسب صورت می‌گیرد. این مقوله اشاره به این دارد که برای توسعه و رشد اقتصادی، وجود زیرساخت‌های مناسب، اعم از زیرساخت‌های سخت و زیرساخت‌های نرم ضروری است. بدون توسعه مناسب و متوازن این زیرساخت‌ها، کارکردهای سایر نهادها،

بنگاه‌ها و نظام‌ها با کندی مواجه خواهد شد. از این رو نظر به اهمیت و ضرورت توسعه زیرساخت‌ها در رشد و شکوفایی اجتماعی و فرهنگی کشور و در جهت کاهش نقش بخش عمومی در اجرا، مدیریت و تصدی‌گری در طرح‌های زیرساختی رسالت خود را معطوف به ایجاد پارادایم‌های جدید در توسعه مشارکت در این حوزه نموده است. این مقوله متشکل از مفاهیم «شناسایی واقعیت‌های موجود جامعه» و «تقویت ظرفیت عموم مردم» می‌باشد، این مقوله اشاره به این دارد که حق آگاهی از جمله حقوق شهروندی است. این حق دارای ابعاد گسترده‌ای می‌باشد. از سویی حق جست‌وجو یا دسترسی به اطلاعات را می‌توان یکی از ضروری‌ترین عناصر آزادی بیان دانست و از دیگر سو مردم‌سالاری نیز بدون تضمین حق آگاهی نمی‌تواند متضمن آینده‌ای روشن باشد. حق آگاهی دارای دو مفهوم مضیق و موسع می‌باشد. این حق در مفهوم مضیق آن، آزادی در جست‌وجوی اطلاعات را مدنظر قرار می‌دهد، اما مفهوم موسع آن، شامل حق دسترسی به اطلاعات یا حق دریافت اطلاعات است. گاه مصلحت‌اندیشی کارگزاران دولت می‌تواند مساعی عمومی را برای کسب اطلاعات از دولت و ارکان دولتی دارنده اطلاعات محدود کند. آزادی اطلاعات، مستلزم حق دستیابی عموم به اطلاعات تحت کنترل مقامات عمومی است و این حق نه تنها به‌عنوان لازمه دموکراسی، پاسخگو بودن مقامات و مشارکت مؤثر مردم، مدت‌مدیدی است که مورد شناسایی واقع شده، بلکه تحت عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر به‌موجب قوانین بین‌المللی و قوانین اساسی کشورها مورد حمایت قرار گرفته است، دولت‌ها قوانینی را تصویب کرده و خط‌مشی‌هایی را پیش‌گرفته‌اند که هریک دربرگیرنده تمهیداتی به‌منظور دسترسی به اطلاعاتی است که در اختیار ارکان عمومی حکومت قرار دارند.

پیامدها

پیامدها نتایجی هستند که از راهبردها و کنش‌های مربوط به پدیده مورد نظر حاصل می‌شوند. پیامدهای ناشی از دانش‌محوری شامل «بهبود رابطه دولت-مردم»، «بهبود کیفیت

خدمات عمومی» و «افزایش اعتماد عمومی» می‌باشند. این مقوله متشکل از مفاهیم «افزایش رضایت مردم از دولت» و «پذیرش تصمیمات دولت» می‌باشد، این مقوله اشاره به این دارد که یکی از پیامدهای دانش محوری بهبود رابطه دولت- مردم می‌باشد، در یک نظام مردم‌سالار دینی مردم در ایجاد مقبولیت برای حکومت و در جهت کارآمدسازی آن مؤثرند؛ اما شیوه نگرش مردم در مورد میزان و چگونگی ایفای نقش خود در حکومت تحت تأثیر عوامل مختلف، در گذر زمان دستخوش تغییر می‌شود که عامل مؤثری در تعیین رابطه متقابل ملت و دولت و در نتیجه تعیین میزان مقبولیت و کارآمدی نظام است. این مقوله متشکل از مفاهیم «افزایش کارایی خدمات عمومی» و «بقا و دوام خط‌مشی» می‌باشد، این مقوله اشاره به این دارد که یکی از پیامدهای دانش محوری مقوله بهبود کیفیت خدمات عمومی می‌باشد، کیفیت خدمات یکی از مباحث بسیار مهم و اساسی در عنصر کنونی به شمار می‌رود. همان‌گونه که می‌دانیم تمامی تلاش سازمان‌ها در نهایت منجر به برون‌داده با محصول یا خدمت می‌گردد. این مقوله متشکل از مفاهیم «افزایش مشارکت اجتماعی» و «پشتیبانی شهروندان از دولت» می‌باشد، این مقوله اشاره به این دارد که یکی از پیامدهای دانش محوری مقوله افزایش اعتماد عمومی می‌باشد، اعتماد یک عامل حیاتی و ضروری برای موفقیت‌های فردی، سازمانی و اجتماعی است و به مثابه منبع اصلی تولید قدرت نرم و مؤثر در ضریب نفوذ قدرت سخت ارزیابی می‌شود. اعتماد باعث افزایش نظم، ثبات و قابلیت پیش‌بینی شده و سازوکاری است که موجب حفظ یکپارچگی و وحدت روابط اجتماعی در سامانه‌ها می‌شود.



شکل ۲. الگوی پارادایمی دانش محوری (اجرای خطمشی‌های فضای مجازی)

توجه به الگوی پژوهش گزاره‌های تحقیق به صورت زیر است:

- ۱) مفهوم دانش محوری ارتباط مستقیمی با رشد فردی و توسعه اجتماعی دارد؛
- ۲) دانش محوری وابسته به شایسته‌سالاری، اهداف و راهبردهای سازمان، مدیریت مشارکتی و حمایت مدیران ارشد است؛
- ۳) دانش محوری مستلزم توسعه منابع انسانی و مدیریت دانش است؛
- ۴) وجود نهادهای موازی، ناکارآمدی مجریان و ضمانت اجرایی ضعیف فرایند دانش محوری را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛

- ۵) دانش محوری در بستر وجود قوانین و مقررات مناسب، وجود زیرساخت‌های فناورانه مناسب و وجود ظرفیت آگاهی مردم صورت می‌پذیرد؛
- ۶) دانش محوری منجر به بهبود رابطه دولت- مردم، بهبود کیفیت خدمات عمومی و افزایش اعتماد عمومی می‌گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش تصمیم گرفته شد مؤلفه‌های اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی شناسایی و استخراج شوند. به این ترتیب با استفاده از تحلیل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به روش داده‌بنیاد (کدگذاری باز، محوری و انتخابی) ۱۶ مقوله و ۳۵ مفهوم نمایان شد. زندگی بشر امروزه از هر جهت با خط‌مشی‌های عمومی پیوند خورده است. خط‌مشی عمومی تصمیمی است که برای رفع یک مشکل عمومی اتخاذ می‌شود. با این حال خط‌مشی تنها اخذ تصمیم نیست بلکه فرایندی است که از زمان احساس مشکل آغاز می‌شود و به ارزیابی نتایج حاصل از اجرای خط‌مشی ختم می‌گردد. خط‌مشی عمومی به مثابه شاخصی است که باید‌ها و نبایدها را در جامعه تعیین می‌کند. در واقع این خط‌مشی‌های عمومی هستند که مشخص می‌سازند چه اقداماتی در بخش عمومی باید انجام شوند و چه اقداماتی نباید انجام گیرند. درک اجرای خط‌مشی به این دلیل مهم است که بسیاری از برنامه‌های اجتماعی از طریق منابع مالی عمومی جامعه تأمین می‌شوند. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که جهت دانش محوری می‌بایست به اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی توجه نمود و بر اساس شایستگی‌ها و اهداف و راهبرد مورد نظر خط‌مشی‌های فضای مجازی عملیاتی گردند. این بررسی نشان داد که در اکثر فرایندهای اجرای خط‌مشی‌های مجازی به‌صورت نظام‌مند و دقیق، این کارکردها و قابلیت‌ها پایش نمی‌گردند که در این زمینه حتماً باید بازنگری‌های اساسی در کارکردهای اجرای خط‌مشی صورت پذیرد و بررسی سایر تحقیقات هم ثابت کرد که به‌صورت موردی، گاهی تعدادی از قابلیت‌ها و شایستگی‌هایی جهت اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی معرفی و شناسایی

گردیده‌اند که در ادامه سعی شده به این موارد مشترک اشاره گردد. در تحقیقی که توسط جمشیدی بروجردی و همکاران (۱۳۹۷) تحت عنوان «طراحی چارچوب مفهومی خط‌مشی‌های تنظیمی در حوزه محتوای فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران» انجام گرفت، مشخص گردید که در پنج بخش نیاز به ابزارهایی تنظیمی در سطح فضای مجازی داریم که این پنج بخش شامل: قانونی- حقوقی، اقتصادی، فنی، نهادی و خودتنظیمی می‌باشند، همچنین از لحاظ محتوایی باید درون‌مایه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی، فنی، امنیتی، آموزشی، حقوقی- قضایی و مذهبی- اعتقادی را مورد توجه قرار داد که نتایج این تحقیق با نتایج بخش بستر اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی تحقیق حاضر همسو می‌باشد. در تحقیق دیگری که توسط رهبر قاضی و همکاران (۱۳۹۵) تحت عنوان «فضای مجازی و جهت‌گیری‌های سیاسی» انجام گرفت، مشخص شد که نتایج این پژوهش نشان داد که افزایش فعالیت در شبکه‌های اجتماعی منجر به تعاملات و مشارکت‌های سیاسی می‌شود و واقعی تلقی کردن محتوای شبکه‌های مجازی و افزایش مصرف روزانه آن‌ها تأثیر منفی بر تمایل افراد به شرکت در امور سیاسی دارد که نتایج این تحقیق با نتایج بخش عوامل مداخله‌گر و پیامدهای اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی تحقیق حاضر همسو می‌باشد. در تحقیق دیگری که توسط استوارت و همکاران (۲۰۱۷ م) تحت عنوان «تدوین خط‌مشی‌های امنیت فضای مجازی در اکتسابات دفاعی استرالیا» انجام شد، مشخص گردید که نتایج به‌دست آمده نشان داد که در بحث دفاع، انعطاف‌پذیری سایبر باید در کل چرخه حیات در نظر گرفته شده و توسعه سیاست مرتبط با این نیاز کلی باید شناخته شود که نتایج این تحقیق با نتایج بخش راهبردهای اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی تحقیق حاضر همسو می‌باشد. همچنین از محدودیت‌های تحقیق حاضر می‌توان به این نکته اشاره کرد که تعمیم‌پذیری تئوریک با احتیاط صورت می‌گیرد و در این خصوص به محققان علاقه‌مند در این حوزه پیشنهاد می‌شود در خصوص نحوه سنجش و اندازه‌گیری مقوله اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی، چگونگی مشروعیت‌یابی و تقویت اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی که از دغدغه‌های اصلی در شورای عالی فضای مجازی است،

تحقیقاتی انجام شود. با توجه به نقش و مسئولیت‌هایی که شورای عالی فضای مجازی و نهادهای فرهنگی و اجتماعی که در جامعه دارند، انتظار می‌رود که چارچوب حمایتی لازم برای ارائه اثربخشی گروهی بهتر تشکیل گیرد. تحقیق حاضر نشان داد که اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی از نظر ساختاری و کارکردی هنوز در مراحل ابتدایی قرار دارد. در همین راستا مجموعه‌ای از پیشنهادها در راستای اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌گردد: به دلیل نبود مدیریت و سیاست‌گذاری واحد در بخش فضای مجازی و اثبات ناکارآمدی بعضی از دستگاه‌ها، مشکلات مرتبط با موضوع هماهنگی در تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری و هماهنگی در اقدامات دستگاه‌ها برطرف شوند و با توجه به این دلیل که مقدار قابل توجهی از زمان شورای عالی فضای مجازی بنا به دلایل بوروکراتیک و ضعف در نظارت و تصمیم‌گیری با هدررفت مواجه هستند، مجدد کارکردهای آن‌ها بازنگری شوند. با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود که شورای عالی فضای مجازی با رویکردی همسو با راهبردهای دولت زمینه را برای اجرای هرچه بهتر اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی ایجاد کند. مدیران این شورا می‌توانند با برنامه‌ریزی و اجرای منسجم در تقویت عوامل شناسایی شده تحقیق حاضر که در راستای اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی تأثیرگذارند، کوشا باشند. شورای عالی فضای مجازی و دستگاه‌های دولتی اگر بخواهند فرایندهایی پایدار و باکیفیت داشته باشند، باید قادر باشند تمام فعالیت‌های خود چه فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند و چه آن‌هایی که انجام نمی‌دهند را تحلیل نمایند. از این رو شورای عالی فضای مجازی و دستگاه‌های دولتی و مجریان این سازمان‌ها نیازمند آن هستند که صادقانه بیان نمایند که دانش انجام چه فعالیت‌هایی را دارند و به چه فعالیت‌هایی فکر کرده و توان انجام چه فعالیت‌هایی را ندارند. شورای عالی فضای مجازی و دستگاه‌های دولتی وظیفه دارند که از فضای یادگیری الکترونیک و مجازی حمایت لازم را نمایند تا جامعه به سمت وسوی الکترونیکی شدن حرکت نماید. اساس و پایه پاسخگویی بر دادن گزارش و اطلاعات است. دستگاه‌های ذی‌نفع بایستی آزادی عمل لازم را به مجریان خود در ارائه گزارش مستقیم و بهبود بخشیدن گزارش‌ها بدهند. البته

محدودیت‌هایی نیز در آزادی اطلاعات و شفافیت امور وجود دارد که سازمان‌های دولتی باید درصدد رفع این مشکل برآیند. در اینجا نکته کلیدی پشتیبانی و حمایت کردن سازمان از جریان سیال اطلاعات است، مسئله‌ای که در سازمان‌های دولتی کمتر رخ می‌دهد. اگر شورای عالی فضای مجازی و دستگاه‌های دولتی منابع، دانش و کمک لازم را در اختیار مجریان خود قرار دهند، مجریان مهارت‌های خود را افزایش داده، اعتمادبه‌نفس بالاتر رفته و حس مالکیت خواهند داشت و در نهایت اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی با موفقیت عملیاتی می‌شود. شورای عالی فضای مجازی و دستگاه‌های دولتی اگر بخواهند فرایندهایی پایدار و باکیفیت داشته باشند، باید قادر باشند تمام فعالیت‌های خود چه فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند و چه آن‌هایی که انجام نمی‌دهند را تحلیل نمایند. از این رو شورای عالی فضای مجازی و دستگاه‌های دولتی و مجریان این سازمان‌ها نیازمند آن هستند که صادقانه بیان نمایند که دانش انجام چه فعالیت‌هایی را دارند و به چه فعالیت‌هایی فکر کرده و توان انجام چه فعالیت‌هایی را ندارند. شورای عالی فضای مجازی و دستگاه‌های دولتی وظیفه دارند که از فضای یادگیری الکترونیک و مجازی حمایت لازم را نمایند تا جامعه به سمت وسوی الکترونیکی شدن حرکت نماید. یکی از نتایجی که به‌طور تلویحی در این مطالعه به دست آمده است، فقدان رویکرد مشارکتی به مدیریت در سازمان‌های مورد مطالعه است.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- اشتریان، کیومرث و امامی میبدی، راضیه (۱۳۹۶)، سیاست‌های انتقال فاوا: بررسی نقش دانش ضمنی، فصلنامه راهبردی، ۳۸ (۴): ۹۹-۱۱۲.
- الوانی، سید مهدی، شریف‌زاده (۱۳۹۰)، فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، ج ۴، تهران: انتشارات، دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۱۵.
- الوانی، مهدی؛ خنیفر، حسین و حاجی ملامیرزایی، حامد (۱۳۹۳)، تدوین الگوی خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی کشور، فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، «قسمت چهارم»، شماره سیزدهم، صص ۱۰۰-۷۵.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس و اعضای شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۴/۰۶/۱۶.
- پوراحمدی، معین؛ مختاریان‌پور، مجید و حسنتقی‌پور، طهمورث (۱۳۹۷)، آسیب‌شناسی اجرایی خط‌مشی‌های خصوصی‌سازی در ایران، مدیریت دولتی، ۱۰ (۳)، ۳۳۳-۳۵۶.
- تابلی، حمید و فلاح تفتی، ابوالفضل (۱۳۹۳)، مروری بر مدل‌های خط‌مشی‌گذاری و معضلات خط‌مشی‌گذاری در ایران، اولین میوزیوم بین‌المللی علوم مدیریت با محوریت توسعه پایدار، تهران.
- جمشیدی بروجردی، علیرضا؛ بنی‌ساد، رضا و امامی، مجتبی (۱۳۹۶)، شناسایی و تحلیل ابزارهای خط‌مشی‌های تنظیمی در فضای مجازی، دومین همایش بین‌المللی انجام مدیریت و اقتصاد در توسعه.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۷۹)، «روش تحقیق در مدیریت»، تهران، مرکز انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- خدادادیان، محمدرضا؛ دشتی، رویا؛ عبدالملکی، بابک و مجیدی، یما (۱۳۹۶)، مروری بر اجرای خط‌مشی در اقتصادهای دانایی‌محور، دومین همایش بین‌المللی افق‌های نوین در علوم انسانی و مدیریت، تهران.
- دانایی‌فرد، حسن و امامی، مجتبی (۱۳۹۲)، استراتژی نظریه داده‌بنیاد در مطالعات سازمان و مدیریت، (فصل چهارم از کتاب روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع)، انتشارات صفار، چاپ دوم.
- دانش‌فرد، کرم‌الله (۱۳۹۲)، مبانی خط‌مشی‌گذاری عمومی ایران، تهران، انتشارات نیاز دانش.
- دنهارت، رابرت بی (۱۳۸۲)، تئوری‌های سازمان‌های دولتی، ترجمه الوانی و دانایی‌فرد، چاپ دوم، تهران، انتشارات صفار.

- دوران، بهزاد (۱۳۸۶)، هویت خانوادگی و تعامل در فضای اینترنتیک به نقل از مجید کفاش، فصلنامه‌های اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، ۵ (۱).
- رضایی، مهدی و بابازاده مقدم، حامد (۱۳۹۳)، اصول تدوین قوانین و مقررات برای اینترنت با تأکید بر مصوبات یونسکو و شورای اروپا، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۴۲ (۴۳-۸۲): ۹۳.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۷۹)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ پنجم تهران، انتشارات آگاه.
- شرفی، شهین؛ منتظری توکلی، علیرضا و سنجر سلاجقه (۱۳۹۸)، بررسی رابطه بین عوامل مرتبط با میزان اجرای خط‌مشی‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران با توجه به نقش میانجی مسئولیت‌پذیری اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۳ (۴۴): ۴۴.
- مختاریان‌پور، مجید؛ حسینی، فردین و رزمی، علی (۱۳۹۴)، شبکه‌های اجرای خط‌مشی (رویکرد شبکه‌ای به اجرای خط‌مشی‌های)، نخستین کنفرانس ملی مدیریت دولتی ایران، تهران.
- منوریان، عباس (۱۳۹۴)، اجرا و ارزیابی خط‌مشی عمومی، تهران، انتشارات موزه کتاب مهربان نشر.
- وریایی، حمیدرضا و رتم، درخشان (۱۳۹۶)، موانع اجرای خط‌مشی‌ها در بیمارستان‌های دولتی استان مرکزی، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد، توانمندی صنعت جهانگردی در توسعه، مشهد.

ب. منابع لاتین

- Andreas Riege, Nicholas Lindsay, (2006) "Knowledge management in the public sector: stakeholder partnerships in the public policy development", Journal of Knowledge Management, Vol. 10 Issue: 3, pp.24-39,
- Anisur Rahman KHAN. "Policy Implementation: Some Aspects And Issues," Journal of Community Positive Practices, Catalactica NGO,, 2016 issue 3, pages 3-12
- Barrett, S. & Fudge, C. 1981. Policy and action: essays on the implementation of public policy. London and New York: Methuen.
- Baum, S.D. A Survey of Artificial General Intelligence Projects for Ethics, Risk, and Policy. Global Catastrophic Risk Institute Working Paper 17-1. 2017. Available online https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3070741 (accessed on 11 November 2019).
- Dialoke, I. Ukah, F. O. and Maduagwuna I. V. (2017). Policy formulation and implementation in Nigeria: the bane of underdevelopment. International Journal of Capacity Building in Education and Management (ICBM), 3(2), March.

- Dahida, D.P. & Maidoki, B.P. (2013), Public Policy making and Implementation in Nigeria: Connecting the Nexus. *Journal of Public Policy and Administration Research*. 3(6): 56 – 64.
- Kakhbod, A. 2013. Resource allocation in decentralized systems with strategic agents. New York: Springer Science and Business Media.
- New SouthWales Government. Environmental Planning and Assessment Amendment Act 2017: Public ExhibitionReport; New South Wales Government: Sydney, Australia, 2018.
- Oluwafemi Osho & Agada D. Onoja,(2015),National Cyber Security Policy and Strategy of Nigeria: A Qualitative Analysis, *International Journal of Cyber Criminology (IJCC)* – Publisher & Editor-in-Chief – K. Jaishankar, ISSN: 0973-5089. Vol. 9 (1): 120–143. DOI: 10.5281/zenodo.22390.
- Petridou, E. 2014. Theories of the policy process: contemporary scholarship and future directions. *Policy Studies Journal*, 42(1): 12-32.
- Prashant Mali, (2015), Critical Analysis of National Cyber Security Policies of UK, India, USA & Germany, Chevening Cybersecurity Fellow 2015.
- Ramsey, E., P. Ibbotson, J. Bell, and B. Gray (2017). 'E-opportunities of Service Sector SMEs: an Irish Cross-border Study, *Journal of Small Business and Enterprise Development* 10 (3): 250-64.
- Sebola, M.P. 2014. Research in South African public administration: The paradox of Science, Politics and Economics of a public policy. *Bangladesh e-Journal of Sociology*, 11(2):29-40.
- Stuart Fowler, Captain Craig Sweet man, Australian Army Flight Lieutenant Sibi Ravindran, Royal Australian Air Force, Keith F. Joiner, Elena Sitnikova, Australian,(2017),Developing cyber-security policies that penetrate Australian defense acquisitions, Issue No. 202, 2017 Australian Defense Force Journal Australian Defense Force Journal.